

مقصود از روایت: «حب علی حسنه» چیست؟

سؤال کننده: محمدی

توضیح سؤال:

از رسول خدا صلی الله علیه وآله در باره امام علی علیه السلام نقل شده است:

مُبُّ عَلِيٍّ مَسْنَةٌ لَا يَضُرُّ مَعَهَا سَيِّئَةٌ وَبُغْضُ عَلِيٍّ سَيِّئَةٌ لَا يَنْفَعُ مَعَهَا مَسْنَةٌ.

«دوستی علی مسنه‌ای است که با داشتن آن، سیئه زیانی نمی‌رساند و دشمنی علی سیئه‌ای است که

با وجود آن مسنه سودی ندارد.»

خواهشمندیم پاسخ دهید:

اولاً: مقصود از این روایت که می‌گوید: با وجود عشق و محبت علی علیه السلام هیچ گناهی ضرر نمی‌رساند، چیست؟

ثانیاً: آیا انسان بدون این که نماز و اعمال واجب دیگری را انجام دهد و فقط محبت علی علیه السلام را داشته باشد کافی است؟ اگر کار برد

محبت علی علیه السلام تا این حد است؛ پس ایمان به خدا و پیامبر و همه عقاید دینی و تکالیف و احکام شرعی ساقط است و غیر از دوستی

علی علیه السلام در شریعت اسلام چیزی دیگر باقی نمی‌ماند! یا مقصود چیزی دیگر است؟

نقد و بررسی

این شبهه در دو قسمت قابل بررسی است:

قسمت اول: تبیین مقصود روایت؛

قسمت دوم: عدم سقوط انجام بقیه تکالیف با وجود عشق و محبت علی علیه السلام.

بررسی طرق نقل روایت

قبل از بررسی مطالب فوق، لازم است طرق این روایت را که از رسول خدا صلی الله علیه وآله نقل کرده‌اند؛ متذکر شویم.

آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره) در شرح احقاق الحق، ج 7، ص 258، این روایت را از سه طریق نقل کرده که در هر طریق، تعدادی از

محدثان اهل سنت وجود دارد:

الف: از طریق معاذ بن جبل:

این روایت را شیخ منتجب الدین ابن بابویه در الأربعون حدیثاً، ص 44، با این سند آورده است.

أنا أبو زرعاً عبد الكريم بن إسحاق بن سهلويه ، بقراءتي عليه : أنا أبو القاسم عبد الرمان بن المسن بن عليك :

أنا أبو سعد أمد بن ممد بن مفص الماليني المافظ . أفبرنا أبو المسن أمد بن علي بن أمد الرفاء : نا أبو

عروبة المسين بن ممد بن مودود : نا المسيب بن واضح : نا نقبة بن الوليد ، عن ثور بن يزيد ، عن خالد بن

معدان ، عن معاذ بن جبل قال رسول الله صلى الله عليه وآله: **مُبُّ عَلِيٍّ مَسْنَةٌ لَّا يَضُرُّ مَعَهَا سَيِّئَةٌ وَبُغْضُ عَلِيٍّ**

سَيِّئَةٌ لَّا يَنْفَعُ مَعَهَا مَسْنَةٌ.

گروهی از محدثان این روایت را از معاذ نقل کرده‌اند:

1. علامه محمد صالح الكشفي الترمذی الحنفی، المناقب المرتضوية، ص 92 چاپ بمبئی؛
 2. علامه المناوی، محمد عبد الرؤوف بن علی بن زین العابدین (متوفای 1031هـ)، كنوز الحقائق فی حدیث خیر الخلائق ، ص 67 - 57؛
 3. علامه منیر محمد البدخشی در مفتاح النجاة فی مناقب آل العباء ص 61 مخطوط؛
 4. علامه القندوزی الحنفی ، الشيخ سليمان بن إبراهيم (متوفای 1294هـ) ینابیع المودة لذوی القربی، ج 2 ص 292؛
 5. علامه فاضل الدین محمد بن محمد بن إسحاق الحموی الخراسانی در مناهج الفاضلین، ص 377 مخطوط؛
 6. علامه الشيخ عبید الله الامر تسری الحنفی در أرجح المطالب، ص 519 و 512 چاپ لاهور؛
 7. علامه عبد الرحمن بن عبد السلام بن عبد الرحمن بن عثمان (متوفای 894 هـ)، نزهة المجالس ومنتخب النفائس، ج 2، ص 207 چاپ قاهرة.
- ایشان در آخر روایت به جای کلمه (سیئة) «معصية» دارد.

ب: از طریق انس بن مالک:

از این طریق نیز جماعتی این روایت را نقل کرده‌اند:

1. علامه خطیب الخوارزمی، الموفق بن أحمد بن محمد المکی (متوفای 568هـ) در المناقب، ج 1، ص 63 .

سلسه سند روایت طبق نقل خوارزمی اینگونه است:

قال: أنبأني مذهب الأئمة أبو المظفر عبد الملك بن علي بن محمد الهمداني، أفبرني أمد بن نصر بن أمد، أفبرني

سليمان بن أمد الطبراني، مدثني عمرو بن ممره أبو أسد القيسي، مدثني فلف بن مهران، مدثنا أبو الربيع، **عن أنس بن**

مالک قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: مُبُّ عَلِيٍّ مَسْنَةٌ لَّا يَضُرُّ مَعَهَا سَيِّئَةٌ وَبُغْضُ عَلِيٍّ سَيِّئَةٌ لَّا يَنْفَعُ مَعَهَا مَسْنَةٌ.

2. علامه فاضل الدین محمد بن محمد بن إسحاق الحموی الخراسانی در مناهج الفاضلین ص 377 مخطوط؛

3. علامه قندوزی، الشيخ سليمان بن إبراهيم (متوفای 1294هـ) در ینابیع المودة لذوی القربی، ج 1، ص 375

ج: از طریق ابن عباس:

از طریق ابن عباس نیز گروهی از محدثین روایت را نقل کرده‌اند؛ از جمله علامه موصلی حنفی که مشهور به ابن حسنویه است؛ در کتاب بحر المناقب، ص 7 اینگونه آورده است:

عن عبد الله بن عباس رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم **مُبُّ عَلِيٍّ مَسْنَةٌ لَا يَضُرُّ مَعَهَا سَيِّئَةٌ**

وَبُغْضُ عَلِيٍّ سَيِّئَةٌ لَا يَنْفَعُ مَعَهَا مَسْنَةٌ.

د: از طریق ابن عمر:

زین الدین علی بن یوسف بن جبر از علمای قرن هفتم، طریق دیگری را نیز برای این روایت ذکر کرده و تصریح نموده است که جماعتی این روایت را از عبد الله ابن عمر نقل کرده اند:

وَمَجَاعَةٌ عَنِ ابْنِ عُمَرَ قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مِبُّ عَلِيٍّ بِنِ ابْنِ أَبِي طَالِبٍ مَسْنَةٌ لَا تَضُرُّ مَعَهَا سَيِّئَةٌ، وَبُغْضُهُ سَيِّئَةٌ لَا تَنْفَعُ

مَعَهَا مَسْنَةٌ.

زین الدین علی بن یوسف بن جبر، (متوفای قرن هفتم)؛ نهج الإیمان، ص 449، تحقیق: السید أحمد الحسینی، ناشر: مجتمع إمام هادی (ع) - مشهد، الطبعة الأولى 1418هـ.

این ها طرقی بود که بزرگان گذشته از محدثان فریقین این روایت را نقل کرده‌اند و محدثان بعد از آنها نیز در جوامع روائی مفصل آورده‌اند.

بررسی اعتبار طرق این روایات:

اولاً: اگر روایتی به سندهای متعدد نقل شد؛ تعدد سند، موجب استفاضه و اعتبار سند می‌شود (حتی در باب الزامیات) و در نتیجه آن روایت معتبر است.

برای روشن شدن مسأله لازم است که در ابتدا خبر مستفیض را تعریف و سپس اعتبار روایت مستفیض را بررسی کنیم.

شهید ثانی در تعریف خبر مستفیض می‌گوید:

ثم هو: أي خبر الوامد. مستفیض: إن ، زادت رواه عن ثلاثة في كل مرتبة، أو زادت عن اثنين عند بعضهم.

خبر وامد در صورتی مستفیض است که در هر مرتبه روایانش از سه تا بیشتر باشد و بعضی گفته‌اند از دو تا بیشتر باشد.

العالمی، زین الدین بن علی بن أحمد الجعفی (متوفای 965هـ) الرعاية في علم الدراية، ص 69، تحقیق: عبد الحسين محمد علی بقال، ناشر: مكتبة آية

الله العظمى المرعى النجفى - قم، الطبعة الثانية 1408

خبر مستفیض، در منابع دیگر درایه الحدیث نیز همین گونه تعریف شده است به جهت رعایت اختصار از ذکر آنها خود داری می‌کنیم.

با توجه به تعریف فوق، این روایت در زمره خبر مستفیض است و طبق نظر بزرگان، احتیاج به بررسی سندی نیست.

آقاضیا عراقی در باره خبر مستفیض می گوید:

استفاضتها کافیة فی الوثوق الاجمالی بصدور بعضها،

مستفیض بودن خبر در وثوق اجمالی به صدور بعض روایت کافی است.

العراقی، آقا ضیاء الدین (متوفای 1361هـ) تعلیقہ علی العروۃ، ص 215، تحقیق و ناشر: مؤسسۃ النشر الإسلامی التابعۃ لجماعۃ المدرسین - قم المشرفۃ،

الطبعة الأولى 1410

صاحب جواهر می گوید:

... فلا یرب فی استفاضتها بمیث تستغنی عن ملاحظۃ السند كما هو واضح.

بدون شک، استفاضه خبر، از بررسی سند انسان را بی نیاز می کند و این مطلب روشن است.

النجفی، الشیخ محمد حسن (متوفای 1266هـ)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، ج 10 ص 286، تحقیق: الشیخ عباس القوچانی، ناشر: دار الکتب

الإسلامیة، طهران، الطبعة: الثالثة، 1367ش.

آقا رضا همدانی در باره خبر مستفیض گفته است:

واستفاضة هذه الأقبار مغنیة عن البیث عن سندها ...

الهمدانی، آقا رضا، (متوفای: 1322) مصباح الفقیه، ج 2، ص 375، ناشر: انتشارات مکتبۃ النجاح - طهران، توضیحات: طبعة حجریة.

بنابراین با توجه به تعدد طرق این روایت، حتی اگر فرض کنیم همه آنها ضعیف باشند، بازهم طبق این قاعده نیازی به بررسی سندی ندارد و حجت می شود .

ثانیاً: روایاتی که در باب مناقب و فضائل وارد می شود نیازی به تصحیح و بررسی سند ندارد و حتی علمای اهل سنت و از جمله احمد بن حنبل گفته است: ما در باب فضائل صحابه سخت گیری نمی کنیم.

یعنی بر فرض این که در باب مناقب روایت ضعیف هم باشد؛ طبق آن عمل می شود.

مقدسی می گوید :

فصل فی العمل بالمدیث الضعیف وروایتہ والتساهل فی أمادیث الفضائل دون ما تثبت به الأمکام والملا والمراه

والماجیه إلى السنة وكونها بیانا للقرآن یمب اتباعه.

ولأجل الآثار المذكورة فی الفصل قبل هذا ینبغی الإشارة إلى ذکر العمل بالمدیث الضعیف والذی قطع به غیر واهد ممن

صنف فی علوم المدیث مکایة عن العلماء أنه یمعمل بالمدیث الضعیف فیما لیس فیہ تملیل ولا تمریم کالفضائل وعن

الإمام أهد ما یوافق هذا ...

قبل از بیان آثاری که در این فصل ذکر شده سزاوار است که به مسأله عمل به حدیث ضعیف اشاره شود. آنچه را که علمای علوم حدیث قطع دارند این است که به حدیث ضعیفی که در مورد ملال و مرام نباشد بر طبق آن عمل می‌شود؛ مانند روایاتی که در باب فضائل است. و از امام احمد موافق این نظر نقل شده است.

المقدسی، الإمام أبو عبد الله محمد بن مفلح (متوفای 763هـ)، الآداب الشرعية والمنح المرعية ج 2، ص 285، تحقیق: شعيب الأرنؤوط / عمر القيام، دار النشر: مؤسسة الرسالة - بيروت، الطبعة الثانية 1417هـ - 1996م

علاء الدین مرداوی حنبلی نیز همین مطلب را در کتابش آورده است.

المرداوی المقدسی الحنبلی، علاء الدین أبو الحسن علی بن سلیمان بن احمد بن محمد (متوفای 885هـ)، التخبیر شرح التحرير فی أصول الفقه، ج 4، ص 1944، تحقیق: د. عبد الرحمن الجبرین، د. عوض القرنی، د. أحمد السراج، ناشر: مكتبة الرشد - السعودية / الرياض، الطبعة: الأولى، 1421هـ - 2000م

نووی نیز می‌گوید:

أهل العلم متفقون على العمل بالضعيف في غير الأمكان وأصول العقائد.

علماء در عمل به غیر ضعیفی که در باره امکان و اصول عقائد نباشد؛ اتفاق دارند.

النووی الشافعی، محبی الدین أبو زکریا یحیی بن شرف بن مر بن جمعة بن حزام (متوفای 676هـ)، المجموع، ج 5، ص 62، ناشر: دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع، التكملة الثانية.

و از آن جایی که این روایات یکی از مناقب امیر مؤمنان علیه السلام را بیان می‌کند، طبق این قاعده حتی اگر همه آنها هم ضعیف باشند، حجت می‌شوند.

نتیجه:

روایاتی که ثابت می‌کند: گناه و عصیان، با وجود محبت و دوستی امیرمؤمنان علیه السلام ضرری به شخص نمی‌رساند، قابل قبول هستند.

پاسخ قسمت اول:

مقصود از ضرر نرساندن سیئه با وجود محبت علی علیه السلام.

بزرگان علماء شیعه این روایت را در جوامع حدیثی شان نقل کرده و در ضمن توجیه و تفسیر هم کرده‌اند. ما هم پاسخ این سؤال را از زبان این بزرگان بیان می‌کنیم:

1. مقصود از ضرر، ضرر نسبی است

زین الدین علی بن یوسف بن جبر در تأویل این روایت می‌فرماید:

مقصود این است که دوستی امیرمؤمنان علیه السلام ایمان به خدا و دشمنی او کفر به خدا است؛ از این رو، محب علی اگر مرتکب گناهی شد؛ فقط گرفتار کیفر مقطعی است که با شفاعت حل شدنی است؛ اما اگر کسی به جای دوستی با امیرمؤمنان علیه السلام، دشمنی او را در دل داشته باشد و گرفتار گناه شود؛ چون ایمان کامل ندارد، مستحق عذاب دائمی است و روزه‌ای از شفاعت هم برای او باز نیست. بنابراین، گناه و عصیان با وجود محبت امیرمؤمنان علیه السلام، ضررش نسبت به کسی که هم دشمن آن حضرت است و هم گناه می‌کند، کمتر و عقوبت آن نیز خفیف‌تر است؛ تا آن جا که می‌توان گفت با وجود شفاعت امیرمؤمنان علیه السلام هیچ ضرری ندارد. زین الدین علی بن یوسف بن جبر از علمای قرن هفتم شیعه در این باره می‌نویسد:

تأویل الخبر: لما كان مبه هو الإيمان بالله تعالى وبغضه هو الكفر استمق ممبه الثواب الدائم ومبغضه العذاب الدائم، فإن قارن هذه الممبه سيئة استمق بها عقابا منقطعاً، ومع ذلك يرجى له عفو من الله تعالى أو شفاعتاً من الرسول عليه السلام. وكل شيء قل ضرره بإضافته إلى ما كثر ضرره، جاز أن يقال: إنه غير ضار، كما يقال: لا ضرر على من يمتب نفسه في مهلكة وإن تلف ماله. فمبه عليه السلام يصمم العقيدة، وصمة العقيدة تمنع من الفلود، فلا تضر سيئته كل الضرر، وبغضه يفسدها وفسادها يوجب الفلود ويمبط كل مسنة.

چون محبت علی علیه السلام ایمان به خدا و دشمنی او کفر به خداست؛ ممبآن او مستمق پاداش دائمی و دشمنان او مستمق عذاب دائمی است. اگر این محبت با سیئه‌ای همراه شد به خاطر آن مستمق کیفر مقطعی می‌شود و امید بهفتش خدا و شفاعت رسول خدا صلی الله علیه و آله در مورد اوست. بنا براین، هرچیزی را که ضررش کمتر باشد نسبت به آنچه که ضررش بیشتر است؛ می‌توان گفت او غیر مضر است. چنانچه در باره کسی که دوست دارد جاننش از مهلک‌ی نجات یابد گرچه مالش تلف شود؛ ضرر نکرده‌است.

محبت و عشق علی علیه السلام عقیده را درست می‌کند و درستی عقیده مانع از فلود در آتش است پس سیئه با وجود این محبت ضرری ندارد اما از آن طرف، دشمنی باعلی علیه السلام عقیده را فاسد می‌کند و فساد در عقیده باعث فلود در آتش و مبط و از بین بردن تمام مسنات است.

این دانشمند دینی پس از ارائه پاسخ فوق، روایتی را از ابن مردویه نقل می‌کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده: کسی که ولایت علی را ندارد، حتی بوی بهشت را استشمام نخواهد کرد.

وروی ابن مردویه بالإسناد عن زيد بن علي عن أبيه عن جده قال: قال النبي صلى الله عليه وآله: يا علي لو أن عبدا عبد الله [مثل] ما قام نوع في قومه، وكان له مثل أمد ذهباً فأنفقته في سبيل الله، ومد في عمره متى مع ألف عام على قدميه، ثم

قتل بين الصفار والمرءة مظلوما، ثم لم يوالك يا علي لم يشم ريع الجنة [ولم يذفلها]

رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود: ای علی! اگر بنده‌ای به مدت عمر مضرت نوع خدا را عبادت کند و همانند کوه امد طلا داشته باشد و او را در راه خدا انفاق کند و آن قدر عمرش طولانی شود که در این مدت هزار حج پیاده انجام دهد سپس بین صفا و مروه مظلوم کشته شود اما تو را دوست نداشته باشد و ولایت تو را نداشته باشد؛ بوی بهشت را استشمام نمی‌کند.

آنگاه در توضیح این روایت می‌نویسد:

بیان: هذا الفبر [یدل علی] أن العقیده [لو كانت] غیر صمیمه، فكان عمله هباء منثورا، قال الله تعالی (وَجُوهُ يَوْمَئِذٍ فَاشْتَعَاءُ عَامِلَةٌ نَاصِبَةٌ تَصْلَى نَارًا حَامِيَةً) وقال تعالی (وَقَدِمْنَا إِلَى مَا عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْنَاهُ هَبَاءً مَنْثُورًا). والدلیل علی أن العقیده غیر صمیمه [ما] أثبت في هذا الكتاب من وجوب إمامته ومجته عليه السلام، فلما لم يأت المكلف بما وجب عليه من حق الإمامة فسدت عقیده دینه فمبطلت أعماله .

این روایت دلالت دارد بر اینکه اگر عقیده درست نبود عمل او همچون ذرات غبار پراکنده در هواست. فداوند فرموده است: در آن روز، چهره‌هایی زبوند، که تلاش کرده، رنج [بیهوده] برده‌اند. [ناچار] در آتشی سوزان درآیند.

و در جای دیگر می‌فرماید: و به هر گونه کاری که کرده‌اند می‌پردازیم و آن را [چون] گردی پراکنده می‌سازیم.

دلیل بر این که عقیده دشمن علی صمیم نیست و فاسد است آن چیزی است که در این کتاب وجوب امامت و محبت بودن علی را اثبات کرده‌ام. بنا براین، زمانیکه مکلف حق امامت را که برایش واجب است بجا نیاورد؛ عقیده دینی او فاسد و اعمالش باطل است.

زین الدین علی بن یوسف بن جبر، (متوفای قرن هفتم)؛ نهج الإیمان، ص 450، تحقیق: السید أحمد الحسینی، ناشر: مجتمع إمام هادی (ع) — مشهد، چاپ: الأولى 1418هـ.

توجیه ایشان (که با وجود محبت امیرمؤمنان علیه السلام، سیئه عذاب مقطعی و بدون محبت عقاب دائمی را به دنبال دارد) بر گرفته از روایت دیگر رسول خداست که به جای «حب علی حسنة» تعبیر «ولایة علی حسنة» دارد.

این روایت در ذیل آیه 80 سوره بقره از امام حسن عسکری علیه السلام در تفسیر منسوب به ایشان ذکر شده و مرحوم مجلسی نیز در بحار نقل کرده‌است:

[تفسیر الإمام علیه السلام] فی قوله تعالی «وَقَالُوا لَنْ نَمَسَّنَا النَّارُ إِلَّا أَيَّامًا مَعْدُودَةً» قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ وَلايَةَ عَلِيٍّ مَسْنَةٌ لَا تَضُرُّ مَعَهَا شَيْءٌ مِنَ السَّيِّئَاتِ وَإِنْ جَلَّتْ إِلَّا مَا يُصِيبُ أَهْلَهَا مِنَ التَّطْهِيرِ مِنْهَا بِمَمْنِ الدُّنْيَا وَبِبَعْضِ الْعَذَابِ فِي الْآخِرَةِ إِلَى أَنْ يَنْجُوا مِنْهَا بِشَفَاعَةِ مَوَالِيهِمُ الطَّاهِرِينَ وَإِنَّ وَلايَةَ أَضْدَادِ عَلِيٍّ وَمُخَالَفَةَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ

السلام سَيِّئَةٌ لَا تَنْفَعُ مَعَهَا شَيْءٌ إِلَّا مَا يَنْفَعُهُمْ بِطَاعَتِهِمْ فِي الدُّنْيَا بِالنَّعَمِ وَالصَّمَةِ وَالسَّعَةِ فَيَرِدُوا الْآفِرَةَ وَلَا يَكُونُ لَهُمْ إِلَّا دَائِمُ الْعَذَابِ.

در ذیل آیه «وقالوا لن تمسنا النار إلا أياما معدودة» (وگفتند جز روزهای چند هرگز آتش به ما نخواهد رسید) فرمودند: رسول خدا (ص) فرموده‌اند که ولایت علی، مسنه‌ای است که هیچ بدی، به همراه آن ضرر نخواهد زد؛ حتی اگر بزرگ باشد! جز این مصیبت که ممکن است در دنیا، با سفتی‌های دنیا پاک شود، و یا با مقداری عذاب در آفرت، تا اینکه از آتش با شفاعت رهبران پاک و طاهرشان، نجات پیدا کنند؛ و ولایت دشمنان علی، و مخالفت با او، بدی است، که هیچ چیزی با آن سود نمی‌دهد، مگر سودی که به خاطر عبادت در دنیا، به صورت نعمت و سلامتی و گشایش به آنها داده شود، و در آفرت در حالتی می‌آیند که جز عذاب دائم، برای آنان نیست!

المجلسی، محمد باقر (متوفای 1111هـ)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج 8، ص 352، تحقیق: محمد الباقر البهبودی، ناشر: مؤسسه الوفاء، بیروت - لبنان، الطبعة الثانية المصححة، 1403هـ - 1983م.

بنابراین، نخستین معنا که از روایات اهل بیت علیهم السلام به دست می‌آید و در کلام علما نیز ذکر شده است، این است که: شخصی که ولایت حضرت امیر علیه السلام را دارد، در صورتی که گناه کند، در ابتدا پاکیزه شده و سپس به بهشت می‌رود؛ اما اگر ولایت حضرت را نداشته باشد و حتی نیکوکار نیز باشد، در دنیا پاداش آن را می‌گیرد و در قیامت عذاب دائم خواهد داشت.

2. کسی که ولایت امیرمؤمنان داشته باشد، با توبه و پاک از دنیا می‌رود.

علی بن یونس عاملی در تأویل این روایات می‌گوید: محبان امیرمؤمنان علیه السلام دو دسته‌اند:

یک دسته کسانی هستند که با توبه از دنیا می‌روند؛ در این صورت هیچ گناهی ندارند و پرونده عمل شان سرشار از محبت و ولایت امیرمؤمنان علیه السلام است.

دسته دوم کسانی اند که موفق به توبه نشوند؛ اما در اثر ابتلاء به انواع گرفتاریها و بعد از امتحان، پاک از دنیا می‌روند که در نتیجه باز هم تنها چیزی که در پرونده آنها ثبت می‌شود، محبت امیرمؤمنان علیه السلام است و هیچ گناهی به همراه ندارند. در هر دو صورت، محبت علی علیه السلام منشأ توفیق توبه و پاک شدن اوست.

وتأویل ذلك أن من أحب عليا لا يفرج من الدنيا إلا بتوبة تكفر سيئاته، فتكون ولايته فاتمة عمله، ومن لم يوفق للتوبة

ابتلى بغم في نفسه، أو مزن على ماله، أو تعسير في فروج رومه، حتى يفرج من الدنيا ولا ذنب له يؤاخذ به.

تأویل روایت این است که دوست دار علی علیه السلام با توبه که کفاره گناهان اوست از دنیا می‌رود، و ولایت علی مهر صمت عمل اوست. و کسی هم که موفق به توبه نشود به انواع موادمآمانی همانند وارد شدن مصیبت جانی، اندوه بر فقدان مال یا مشکل خارج شدن رومش آمان می‌شود تا از دنیا بدون گناه خارج شود.

العالمی ، علی بن یونس ، (متوفای 877) الصراط المستقیم، ج 1، ص 199، تحقیق و تصحیح: محمد الباقر الیهودی، ناشر: المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية، الطبعة الأولى 1384

3. مقصود ولایت حقیقی است ، یعنی اطاعت محض :

شهید ثانی از علمای قرن نهم تحلیل دقیق تری را در مورد این روایت دارد و به نظر ایشان دوستی امیرمؤمنان علیه السلام یک عامل قوی باز دارنده از گناه است. به این معنا که محب آن حضرت هیچ وقت به طرف گناه نمی‌رود و مطیع محض است.

وأقرب التأویلات **هملة علی الممبة المقیة الكاملة، وهی توجب عدم ملابسة شیء من الذنوب البتة، لان الممب المقیة** يؤثر رضا الممبوب کیف كان. ولا شك أن رضا علی علیه السلام فی ترک الممرمات والقیام بالواجبات، فممبة علی المقیة تؤثر لأجله ذلك، **فلا یفعل موجب النار فیدخل الجنة، ومن خالف هوی ممبوبة فممبته معلولة.**

نزدیکترین تأویل روایت این است که مراد از ممبت، ممبت حقیقی و کامل علی علیه السلام است که با هیچ گناهی مخلوب و همراه نیست؛ زیرا دوست حقیقی در پی رضایت ممبوب است و بدون شک رضایت علی علیه السلام در ترک ممرمات و انجام واجبات است. بنابراین این، ممبت حقیقی علی علیه السلام به این خاطر مؤثر است. در نتیجه دوست دار علی علیه السلام کاری را که موجب دفول در آتش شود؛ انجام نمی‌دهد و این ممبت علت دفول در بهشت است.

العالمی ، زین الدین بن علی بن أحمد (متوفای 965 ه ق)، حقائق الإیمان، ص 228 إشراف: السيد محمود المرعشی تحقیق : السيد مهدی الرجائی نشر : مكتبة آية الله العظمى المرعشى النجفی العامة - قم، الطبعة الأولى 1409 ه

4. مقصود از «سیئه»، گناهی است که در غیر ارکان اسلام باشد :

شیخ ماحودی در کتاب الاربعین توجیه این روایت را از بعض بزرگان که اسمش را نبرده این گونه بیان می‌کند:

إنّ ممبة علی (علیه السلام) توجب الإیمان الفاص، والتشيع بقول مطلق، ومینذ لا یضرّ معه سیئه، لأنّ العصیان فی غیر الأصول الفمسة لا یوجب الفلود فی النار، بل المفهوم من أخبارنا الواردة عن أئمتنا (علیهم السلام): إنّ ذنوب الشیعة الإمامية مغفورة.

ممبت امام علی علیه السلام باعث ایمان ویژه می‌شود که با وجود آن هیچ سیئه‌ای ضرر نمی‌زند؛ زیرا ممب آن مضرت، در اصول پنجگانه عصیان نمی‌کند و عصیان در غیر اصول پنجگانه (اشاره به روایت بنی الاسلام علی الفمس دارد ، و این ارکان

عبارتند از نماز ، روزه ، زکات ، حج و ولایت) باعث جاودانگی در آتش نمی‌شود؛ بلکه بالاتر از آن، آنچه از روایات ائمه علیهم السلام استفاده می‌شود این است که سایر گناهان شیعه امامیه بفاشیده شده است.

الشیخ الماحوزی، (متوفای 1121) الأربعین، ص 105، تحقیق: السید مهدی رجائی
چاپخانه: امیر - قم، الطبعة الأولى 1417

5. مقصود از «حب»، ولایت حقیقی است که سبب شفاعت می‌شود:

فخر الدین طریحی نیز دوستی امیرمؤمنان علیه السلام را به ایمان کامل تفسیر کرده که با وجود آن سیئه ضرر نمی‌رساند؛ چون با وجود حب علی، امید به بخشش گناه از طریق شفاعت وجود دارد؛ بنابراین، دوستی امیرمؤمنان علیه السلام حسنه می‌شود:

الظاهر أن المراد بالمحب المب الكامل المضاف إليه سائر الاعمال لأنه هو الايمان الكامل مقيقة وأما ما عداه فمجاز، وإذا كان مبه إيمانا وبغضه كفرا فلا يضر مع الايمان الكامل سيئة بل تغفر إكراما لعلی (عليه السلام) ولا تنفع مع عدمه مسنة إذ لا مسنة مع عدم الايمان. وقد سبق في «عصی» كلام للزمخشري في توبيه «لأدفل الجنة من أطاع عليا وإن عصاني» نافع في هذا المقام.

مراد از «مب»، همان حب و دوستی کامل علی علیه السلام است که باعث انجام بقیه اعمال نیک است و این مقیقتاً همان ایمان کامل است و ممبیتی که اینگونه نباشد دورغین و مجازی است. پس زمانی که حب علی ایمان و بغض او کفر باشد با این ایمان کامل سیئه ضرر ندارد؛ بلکه به خاطر آن مضرت بفاشیده می‌شود و با نبود حب علی، مسنه‌ای به درد نمی‌خورد؛ زیرا با نبود ایمان کامل مسنه‌ی نیست. کلام زمخشری در توبیه روایت قدسی «لأدفل الجنة من أطاع عليا وإن عصاني»، در بحث واژه «عصی» گذشت که این سخن را روشن می‌کند.

الطریحی، فخر الدین (متوفای 1085)، مجمع البحرین ، ج 1، ص 443 ، تحقیق: السید أحمد الحسینی، ناشر: مكتب النشر الثقافة الإسلامية، الطبعة الثانية 1408 - 1367 ش

فخرالدین طریحی در ذیل واژه «عصی» می‌گوید: زمخشری در ذیل حدیث قدسی (لأدفل الجنة من أطاع عليا وإن عصاني وأدخل النار من عصاه وإن أطاعنی؛ کسی را که از علی اطاعت نماید گرچه مرا عصیان کند؛ وارد بهشت می‌نمایم و کسی را که او را عصیان کند گرچه مرا اطاعت کند؛ وارد آتش می‌کنم) گفته است:

وهذا رمز مسن، وذلك ان حب علی (عليه السلام) هو الايمان الكامل والايمان الكامل لا تضر معه السيئات. قوله: (وإن عصاني) فانی أغفر له إكراما وأدفعه الجنة بإيمانه، فله الجنة بالإيمان وله بمب علی العفو والغفران.

وقوله: (وأدفل النار من عصاه وإن أطاعنی) وذلك لأنه إن لم يوال عليا فلا إيمان له وطاعته هناك مجاز لا مقيقة، لان طاعة

المقيقة هي المضاف إليها سائر الاعمال، فمن أحب عليا فقد أطاع الله ومن أطاع الله نجا فمن أحب عليا نجا، فعلم أن

مب علی هو الایمان وبغضه کفر، ولیس یوم القیامه إلا مصب ومبغض، فمبیه لا سیئه له ولا مساب علیه ومن لا مساب

علیه فالجنه داره، ومبغضه لا ایمان له ومن لا ایمان له لا ینظر الله إلیه بعین رمته، وطاعته عین المعصیه وهو فی النار،

فعدو علی هالک وإن جاء بمسناات العباد وممبه ناچ ولو کان فی الذنوب غارقا إلی شمتی أذنیه وأین الذنوب مع الایمان المنیر أم آین من السیئات مع وجود الإکسیر؟ فمبغضه من العذاب لا یقال وممبه لا یوقف ولا یقال فطوبی لأولیائه وسمقا لأعدائه.

این رمز نیکویی است که ممیت علی علیه السلام ایمان کامل است و با وجود ایمان کامل سیئات زیانی نمی‌زند. معنای گفته خداوند (وان عمانی) این است که من او را از جهت اکرام می‌بفشم و با این ایمانی که دارد او را وارد بهشت می‌نمایم. پس وارد شدن او در بهشت به خاطر ایمان و بفشیده شدنش به خاطر ممیت علی است.

معنای فرموده خداوند: (وأدفل النار من عصاه وان أطلعنی) به خاطر این است کسی که علی را دوست ندارد ایمانی ندارد و اطاعت او از من مجازی و دورغین است نه اطاعت حقیقی؛ زیرا اطاعت حقیقی در بقیه اعمال، به اضافه ممیت و ولایت علی است نه بدون آن. پس کسی که علی را دوست داشته باشد فدا را اطاعت کرده و کسی که فدا را اطاعت کند نجات یافته است در نتیجه کسی که علی را دوست دارد نجات یافته است. بنابر این دانسته شد که مب علی علیه السلام ایمان و دشمنی او کفر است و روز قیامت، روز مشر دوست و دشمن است و ممبان علی چون گناهی ندارند مسابی ندارند و کسی که مساب ندارد جایگاهش در بهشت است. اما دشمنان علی چون ایمان ندارند؛ خداوند به نظر رحمت به او نگاه نمی‌کند در این صورت اطاعت او عین معصیت است و جایگاه او در آتش فواهد بود پس دشمن علی اگر چه به اندازه مسناات تمام بندگان مسنه داشت باشد هلاک شده و دوستان علی اگرچه تا نرمی گوش غرق در گناه باشند؛ نجات یافته است. کجاست در قیامت فبر از گناه با این ایمان روشن و با وجود این اکسیر؟ پس در قیامت سفن دشمنان علی در مقابل گناهشان شنیده نمی‌شود و دوستان او متوقف نمی‌شود و سفنی از گناه او نیست. پس فوشا به مال دوستان و بدا به مال دشمنان علی علیه السلام.

الطریحی، فخر الدین (متوفای 1085)، مجمع البحرین، ج 3، ص 198، تحقیق: السید أحمد الحسینی، ناشر: مکتب النشر الثقافه الإسلامیه، الطبعة الثانیة 1408 - 1367 ش

در این معنا باید تمام شروطی که برای شفاعت گفته شده است، در نظر گرفته شود؛ یعنی ممکن است شفاعت بعد از ورود در آتش و چشیدن طعم عذاب باشد؛ و به معنی عدم عذاب نیست! همانطور که ممکن است در دنیا به خاطر سختی‌ها، گناه او پاک شده باشد و مستحق شفاعت قبل از ورود در آتش گردد.

نتیجه:

در مجموع از این تفاسیر، سه نتیجه به دست می‌آید:

1. سیئه با وجود این ایمان که بزرگترین حسنه است سبب عقاب دائمی نمی‌شود؛ بلکه عقاب کسی که عشق و محبت امیرمؤمنان علیه السلام را دارد؛ اما گناه هم کرده‌است، مقطعی است و با شفاعت از میان خواهد رفت و به خاطر امیرمؤمنان علیه السلام بخشیده خواهد شد؛
 2. این ایمان کامل (عشق و محبت امیرمؤمنان علیه السلام) منشأ توفیق برای توبه و یا پاک شدن گناه از پرونده اعمال دوستان آن حضرت در اثر ابتلا به انواع امتحان‌ها (در صورت عدم توفیق توبه) است؛
 3. با وجود این ایمان کامل، محبان و عاشقان امیرمؤمنان علیه السلام، هرگز به طرف گناه نمی‌روند تا چه رسد به ارتکاب آن. که تحلیل شهید ثانی از روایت همین بود. در تفسیر ایشان، عشق و محبت علی قوی‌ترین عامل باز دارنده از گناه است.
- برابر این سه نتیجه، معنای روایت روشن است که دوستی و عشق به علی علیه السلام حسنه است.. البته باید دقت کرد که منظور از حب، دوستی ظاهری نیست؛ بلکه مراد از آن، حب قلبی است که منشأ این همه آثار عجیب انگیز است.
- نکته مهم این است که از دیدگاه قرآن اگر کسی گناهی را که محیط بر اعمالش باشد مرتکب شود؛ در آتش جاودانه است و از طرف دیگر کسی که عمل صالح و حسنه‌ای انجام دهد در بهشت جاودانه است:

بَلَىٰ مَنْ كَسَبَ سَيِّئَةً وَأَمَاطَتْ بِهِ هَمِيَّتُهُ فَأُولَٰئِكَ أَصْنَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ. وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

أُولَٰئِكَ أَصْنَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

(بقره/ 81-82)

آری، کسی که بدی به دست آورد، و گنااهش او را در میان گیرد، پس چنین کسانی اهل آتشند، و در آن ماندگار

فخواهند بود. و کسانی که ایمان آورده، و کارهای شایسته کرده‌اند، آنان اهل بهشتند، و در آن جاودان خواهند ماند.

در روایت مورد بحث نیز، بغض علی، به «سیئه» تعبیر شده‌است؛ بنابراین، کسی که بغض علی را دارد طبق این آیه، گرفتار عذاب جاودانی است؛ زیرا طبق خود روایت بغض علی سیئه‌ای است که هیچ حسنه‌ای با وجود آن منفعت ندارد.

پاسخ قسمت دوم:

عدم سقوط انجام بقیه تکالیف با وجود عشق علی علیه السلام.

قسمت دوم شبهه، این است که اگر کاربرد دوستی امیرمؤمنان علیه السلام تا این حد است که با وجود آن سیئه ضرر ندارد؛ پس ایمان به خدا و پیامبر و همه عقائد دینی و تکالیف و احکام شرعی ساقط است و غیر از دوستی امیرمؤمنان علیه السلام در شریعت اسلام چیزی

دیگری باقی نمی ماند و باید هر چه توان داریم برای به دست آوردن عشق آن حضرت بکوشیم. البته پاسخ این مطلب، از آنچه در بالا مطرح شد، مشخص می شود؛ اما برای تکمیل بحث پاسخ را از زبان یکی از علمای معاصر بیان می کنیم.

عشق و محبت علی (ع) موجب التزام به تکالیف الهی می شود

ابوطالب تجلیل تبریزی از علمای فرهیخته معاصر در پاسخ این شبهه می نویسد:

اگر در مورد دوستی امیرمؤمنان علیه السلام این همه سفارش شده، به خاطر این است که او ولی خدا، وصی رسول خدا، پیشوای امت از جانب خدا و محبوب ترین مردم در نزد خدا بعد از رسول خدا است. عشق و محبت او به این معنا برگرفته از عشق به خدا و پیامبر است؛ بنا براین، در قلب کسی که حب و عشق به خدا پا برجا و محکم شد، به اطاعت از احکام و تکالیف الهی ملتزم می شود.

أقول: ليس المراد حب علي عليه السلام لأجل شكله ومظهره، أو لأجل كونه من قبيلة فلان، أو سائر الجهات الدنيوية

فمحب، بل لأجل كونه ولي الله ووصي رسوله صلى الله عليه وآله وسلم، والإمام على الأمة من قبل الله، وأحب الناس إليه

بعد رسوله. ومبه بهذه المعاني إنما ينشأ من حب الله ورسوله، وتلك رغبة من رغبات حب الله، ومن ارتكز في قلبه حب

الله يلتزم بطاعة أمكانه وتكليفه. ومن كان مدعياً لمحب علي بهذا المعنى وكان غير مبال بأمكانه الله وتكليفه فهو كاذب

في دعوى حب علي عليه السلام.

مراد از محبت علی این نیست که او را به خاطر شکل ظاهری، زیبایی، قبیله ای یا سائر جهات دنیوی دوست بدانید؛ بلکه محبت او به این جهت است که آن مضرت، ولی خدا، جانشین رسول خدا صلی الله علیه و آله، پیشوای امت اسلامی از جانب خداوند و محبوب ترین مردم بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله در نزد خدا است.

طبق این معنا، حب علی نشأت گرفته از حب خدا و پیامبر یا تراوش حب خداست و کسی که در دلش حب خدا ثابت و پا

برجا شد به اطاعت از امكان و تکالیف الهی ملتزم می شود؛ بنا براین، کسی که حب علی را به این معنا مدعی است؛ اما

نسبت به امكان خدا و تکالیف او توجهی ندارد؛ او در این ادعا دروغگو است.

التجلیل التبریزی، أبو طالب، تنزیه الشیعة الإثنی عشریة عن الشبهات الواهیة، ج 2، ص 83

ایشان سخن خود را در مورد این که حب علی علیه السلام التزام به تکالیف الهی را به دنبال دارد؛ به این روایت استناد کرده است:

أَبُو عَلِيٍّ الشَّعْرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَالِمٍ وَأَهْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعاً عَنْ أَهْمَدَ بْنِ النَّضْرِ عَنْ عَمْرِو بْنِ شِمْرِ عَنْ

جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ قَالَ لِي يَا جَابِرُ أَتَحْتَفِي مَنِ انْتَمَلَ التَّشْيِعُ أَنْ يَقُولَ بِمُبْنَا أَهْلِ الْبَيْتِ فَوَ اللَّهُ مَا شَيْحَتْنَا

إِلَّا مَنِ اتَّقَى اللَّهَ وَأَطَاعَهُ وَمَا كَانُوا يُعْرِفُونَ يَا جَابِرُ إِلَّا بِاللَّوْأَضِعِ وَالتَّمَشُّعِ وَالْأَمَانَةِ وَكَثْرَةِ ذِكْرِ اللَّهِ وَالْمَوَدَّةِ وَالْمَلَكَةِ وَالْبِرِّ

بِأَهْلِ الدِّينِ وَالتَّعَاهُدِ لِلْمِجْرَانِ مِنَ الْفُقَرَاءِ وَأَهْلِ الْمَسْكَنَةِ وَالْحَارِمِينَ وَالْأَيَّتَامِ وَصِدْقِ الْمَدِيثِ وَتِلَاوَةِ الْقُرْآنِ وَكَفِّ الْأَلْسُنِ عَنِ

النَّاسِ إِلَّا مِنْ فَيْرٍ وَكَانُوا أُمَّتَاءَ عَشَائِرِهِمْ فِي الْأَشْيَاءِ قَالَ جَابِرٌ فَقُلْتُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ مَا نَعْرِفُ الْيَوْمَ أَمَدًا بِهَذِهِ الصَّفَةِ فَقَالَ
 يَا جَابِرُ لَا تَذْهَبَنَّ بِكَ الْمَذَاهِبُ مَسْبُ الرُّجُلِ أَنْ يَقُولَ أُحِبُّ عَلِيًّا وَأَتَوَلَّاهُ ثُمَّ لَا يَكُونُ مَعَ ذَلِكَ فَعَمَلًا فَلَوْ قَالَ إِنِّي أُحِبُّ رَسُولَ
 اللَّهِ - فَرَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ ثُمَّ لَا يَتَّبِعُ سِيرَتَهُ وَلَا يَعْمَلُ بِسُنَّتِهِ مَا نَفَعَهُ مِنْهُ إِلَّا شَيْئًا
 فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَعْمَلُوا لِمَا عِنْدَ اللَّهِ لَيْسَ بَيْنَ اللَّهِ وَبَيْنَ أَمَدٍ قَرَابَةٌ أَمَبُ الْعِبَادِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَأَكْرَمُهُمْ عَلَيْهِ اتَّقَاهُمْ وَأَعْمَلُهُمْ
 بِطَاعَتِهِ يَا جَابِرُ وَاللَّهِ مَا يَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى إِلَّا بِالطَّاعَةِ وَمَا مَعَنَا بَرَاءَةٌ مِنَ النَّارِ وَلَا عَلَى اللَّهِ لِأَمَدٍ مِنْ حُجَّةٍ مَنْ كَانَ
 لِلَّهِ مُطِيعًا فَهُوَ لَنَا وَلِيُّ وَمَنْ كَانَ لِلَّهِ عَاصِيًا فَهُوَ لَنَا عَدُوٌّ وَمَا تَنَالُ وَلَا يَتَنَا إِلَّا بِالْعَمَلِ وَالْوَرَعِ.

جابر گوید: امام باقر علیه السلام به من فرمود: ای جابر! آیا کسی که ادعای تشیع می‌کند، او را بس است که از محبت ما
 فانواده دم زند؟ به خدا شایعه ما نیست، جز آنکه از فدا پروا کند و او را اطاعت نماید، ای جابر! ایشان شناخته نشوند، جز با
 فروتنی و خشوع و امانت و بسیاری یاد فدا و روزه و نماز و نیکی به پدر و مادر و مراعات همسایگان فقیر و مستمند و
 قرض‌داران و یتیمان و راستی گفتار و تلاوت قرآن و بازداشتن زبان از مردم، جز از نیکی آنها، و آنها امانت نگهدار فامیل
 فویش باشند.

جابر می‌گوید: عرض کردم: یا ابن رسول الله! ما امروز کسی را دارای این صفات نمی‌شناسیم، فرمود: ای جابر! مبدا فریفته
 راه‌های مختلف شوی! آیا برای مرد کافی است که بگوید، من علی را دوست دارم و از او پیروی می‌کنم، و با وجود این
 فعالیت دینی نکند؟! پس اگر بگوید: من رسول خدا صلی الله علیه و آله را دوست دارم - در حالی که رسول خدا صلی الله
 علیه و آله بهتر از علی علیه السلام است - سپس از رفتار او پیروی نکند و به سنتش عمل ننماید، محبت رسول خدا صلی الله
 علیه و آله برایش هیچ سودی ندهد، پس از فدا پروا کنید و برای آنچه نزد خداست عمل کنید، فدا با هیپوکس فویشی ندارد،
 دوست ترین بندگان فدای عز و جل [و گرامی ترین شان نزد او] با تقوا ترین و مطیع ترین آنهاست.

ای جابر! به فدا جز با اطاعت از فدای تبارک و تعالی تقرب نمی‌توان جست. و همراه ما برات آزادی از دوزخ نیست و هیچ
 کس بر فدا محبت ندارد، هر که مطیع فدا باشد دوست ما و هر که نافرمانی فدا کند دشمن ماست، ولایت ما جز با عمل
 کردن به ورع به دست نیاید.

الکلبینی الرازی، أبو جعفر محمد بن یعقوب بن إسحاق (متوفای 328 هـ)، الأصول من الکافی، ج 2، ص 75،
 ناشر: اسلامیة، تهران، الطبعة الثانية، 1362 هـ.ش.

در این روایت حد اقل ده مورد از ویژگی شیعه و محبان امیرالمؤمنین علیه السلام بیان شده است و خود امام باقر علیه السلام فرموده که بین خدا و هیچ یکی از بنده قرابت و نسبتی نیست فقط وسیله این قرابت، اطاعت و تقوای الهی است و در پایان تصریح نموده که هر که این تقوای الهی را نداشته باشد به ولایت و محبت ما دست پیدا نخواهد کرد.

نکته مهم در روایت این است که اگر کسی محبت رسول خدا صلی الله علیه و آله را که از نظر رتبه برتر از امیرمؤمنان علیه السلام است، داشته باشد؛ ولی در عمل به سنت و سیره او ملتزم نباشد؛ این محبت برایش نفعی ندارد؛ زیرا محبت او واقعی نیست؛ پس ادعای محبت امیرمؤمنان علیه السلام نیز بدون انجام تکالیف دینی قطعاً کافی نخواهد بود.

نتیجه:

با توجه به این روایت، پاسخ این قسمت شبهه نیز روشن است و نتیجه می‌گیریم که محبت و عشق به علی علیه السلام باعث نمی‌شود که بقیه تکالیف الهی از انسان ساقط شود؛ بلکه با توجه به روایات، محبت و عشق آن حضرت باعث می‌شود که بیشتر از گذشته به تکالیف خدا ملتزم شد؛ زیرا شخص محب و عاشق در پی کسب رضایت محبوب و دوست است و رضایت محبوب (امیرمؤمنان علیه السلام) در اطاعت از خدا و انجام تکالیف خداوند است. و اگر کسی، به دنبال اطاعت نباشد، در واقع محبت ندارد.

در قسمت گذشته ثابت شد که دوستی امیرمؤمنان علیه السلام برخاسته از عشق به خدا و رسول خدا صلی الله علیه و آله است، می‌بایست این دوستی در برخوردها و اعمال خارجی انسان انعکاس داشته باشد و نخستین مظهر انعکاس آن، اطاعت از اوامر و اجتناب از نواهی خداوند است. از نظر عقلی هم به دور است کسی ادعای محبت خدا و پیامبرش را داشته باشد اما بر خلاف دستورات عمل نماید.

قرآن کریم این مطلب را به صورت خیلی شفاف بیان کرده است :

قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ.

(آل عمران/31)

بگو: «اگر خدا را دوست دارید، از من پیروی کنید تا خدا دوستتان بدارد و گناهان شما را بر شما ببخشد،

و خداوند آمرزنده مهربان است.

در پایان، با کلامی از امام صادق علیه السلام در توضیح این معنی، مقاله خویش را به پایان می‌بریم.

شیخ مفید از علمای برجسته شیعه در امالی آورده است:

مدثنا محمد بن موسی بن المتوکل (ر.ممه الله)، قال: مدثنا علی بن ابراهیم، عن ابيه ابراهیم بن هاشم، عن محمد بن ابي

عُمَيْرٍ عَمَّنْ سَمِعَ اَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ مَا اَمَبَّ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مَنْ عَصَاهُ ثُمَّ تَمَثَّلَ فَقَالَ:

تَعَصَى الْإِلَهَ وَ أَنْتَ تَظْهَرُ مِنْهُ هَذَا مُعَالَ فِي الْفِعَالِ بَدِيعُ

لَوْ كَانَ مُبْتَكٍ صَادِقًا لَأَطَعْتَهُ إِنَّ الْمُمِيبَ لِمَنْ يُمِيبُ مُطِيعُ

امام صادق علیه السلام فرمود: هر که فدا را نافرمانی کند او را دوست ندارد. سپس به این شعر مثل آورد : عصیان الهی با
تظاهر ماب فدا امر ممال و کار بدیع است . اگر دوستی تو از راستی بود او را فرمان می‌بردی؛ زیرا عاشق امر و گفتار
محبوبش را اطاعت می‌کند.

الشیخ المفید، محمد بن محمد بن النعمان ابن المعلم أبی عبد الله العکبری، البغدادی (متوفای 413 هـ)، الأملی، ص 578.
تحقیق الحسین أستاذ ولی - علی أكبر الغفاری، ناشر: دار المفید للطباعة والنشر والتوزیع - بیروت، الطبعة الثانية، 1414 هـ - 1993 م.

موفق باشید

گروه پاسخ به شبهات

مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر (عج)